View the original article

فراتر از خبر

مهرداد امانت: در گذشته، هویت دینی در جامعه ایران متنوع‌تر و سیال‌تر از امروز بود

رادیو فردا

۰۶/آذر/۱۴۰۵



مهرداد امانت

مهرداد امانت، مورخ ساکن آمریکا که به تازگی کتاب «نوکیشی و پایداری یهودیان ایران» نوشتهٔ او به زبان فارسی منتشر شده، در گفت‌وگو با رادیو فردا توضیح می‌دهد که چگونه در دو سدهٔ گذشته هویت دینی در ایران سیال‌تر از امروز بود و چگونه جامعهٔ ایران تنوع دینی را که همواره یکی از مشخصه‌های اصلی آن بوده، از دست داده است.

برگردان فارسی کتاب «نوکیشی و پایداری یهودیان ایران؛ گرایش به اسلام و آیین بهائی در ایران معاصر» نوشتهٔ مهرداد امانت که اولین بار ۱۵ سال پیش به زبان انگلیسی منتشر شد، اکنون با ویرایش تازه و زیر نظر خود نویسنده در انتشارات فردوسی در استکهلم سوئد منتشر شده است.

کتاب از هشت فصل تشکیل شده و ضمن مرور حضور یهودیان در ایران پیش از اسلام و قرون وسطی، تغییر دین یهودیان در دوران صفوی و اوایل قاجار و همچنین ظهور آیین بهائیت و صور جدید نودینی در ایران، به نمونه‌های دست اول از نوکیشی می‌پردازد که بر اساس تجربهٔ خانوادگی نویسنده و همچنین خاطرات شماری از نودینان یهودی-بهائی نوشته شده است.

یکی از جذابیت‌های کتاب همین روایت دست اول و بی‌پیرایه و در عین حال جسورانه است که تاریخ ایران و به ویژه فرایند گرایش به دین دیگر را به گونه‌ای دیگر بازگویی می‌کند.

فرد پطروسیان، روزنامه‌نگار و پژوهشگر مسائل نوکیشی در ایران، به رادیو فردا می‌گوید که کتاب «نوکیشی و پایداری یهودیان ایران» صرفاً تاریخ نوکیشان دینی نیست بلکه روابط قدرت و هویت، و هزینه‌های آزادی انتخاب و متفاوت بودن را نیز روایت می‌کند.

او می‌گوید: «نکته مهم دیگر، نگاه کردن این کتاب به تاریخ از نقطه‌نظر حاشیه‌نشینان است؛ یعنی از منظر تجربه زندگی اقلیت‌های دینی، یهودیان، بهائیان و دیگر گروه‌هایی که کمتر درباره آنها صحبت شده است. از این نظر، کتاب ارزش افزوده‌ای برای همه ما ایرانیان، فارغ از دین، باور و هویت‌مان، دارد؛ زیرا به ما کمک می‌کند جامعه خود را بهتر بشناسیم و درباره آن بیندیشیم.»

آقای امانت خود در معرفی کتاب نوشته است که برای بسیاری از ایرانیان، رهایی یهودیان به دست کوروش تنها نقطه آشنای تلاقی ایرانیان با قوم یهود است و دومین نقطه تلاقی در روزگار معاصر، به برخورد نظام‌های سیاسی ایران و اسرائیل بازمی‌گردد.

او تأکید کرده که اما پیوند یهودیان با سرزمین ایران، بسیار ژرف‌تر و دیرپاتر است؛ به طوری که یهودیان از کهن‌ترین ساکنان ایران بودند و در بخشی از شهرها و نواحی، به جزئی جدایی‌ناپذیر از فرهنگ، حافظه و هویت آن منطقه بدل شدند.

این کتاب ضمن ارائه تصویری از گذشته یهودیان ایران و فرایند نوکیشی درمیان آنان، تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که چرا این نوکیشان گرایش به بهائیت به عنوان آیینی تحت فشار در ایران را بر رفاه و امنیت گرایش به دین رایج، یعنی دین اسلام ترجیح دادند.

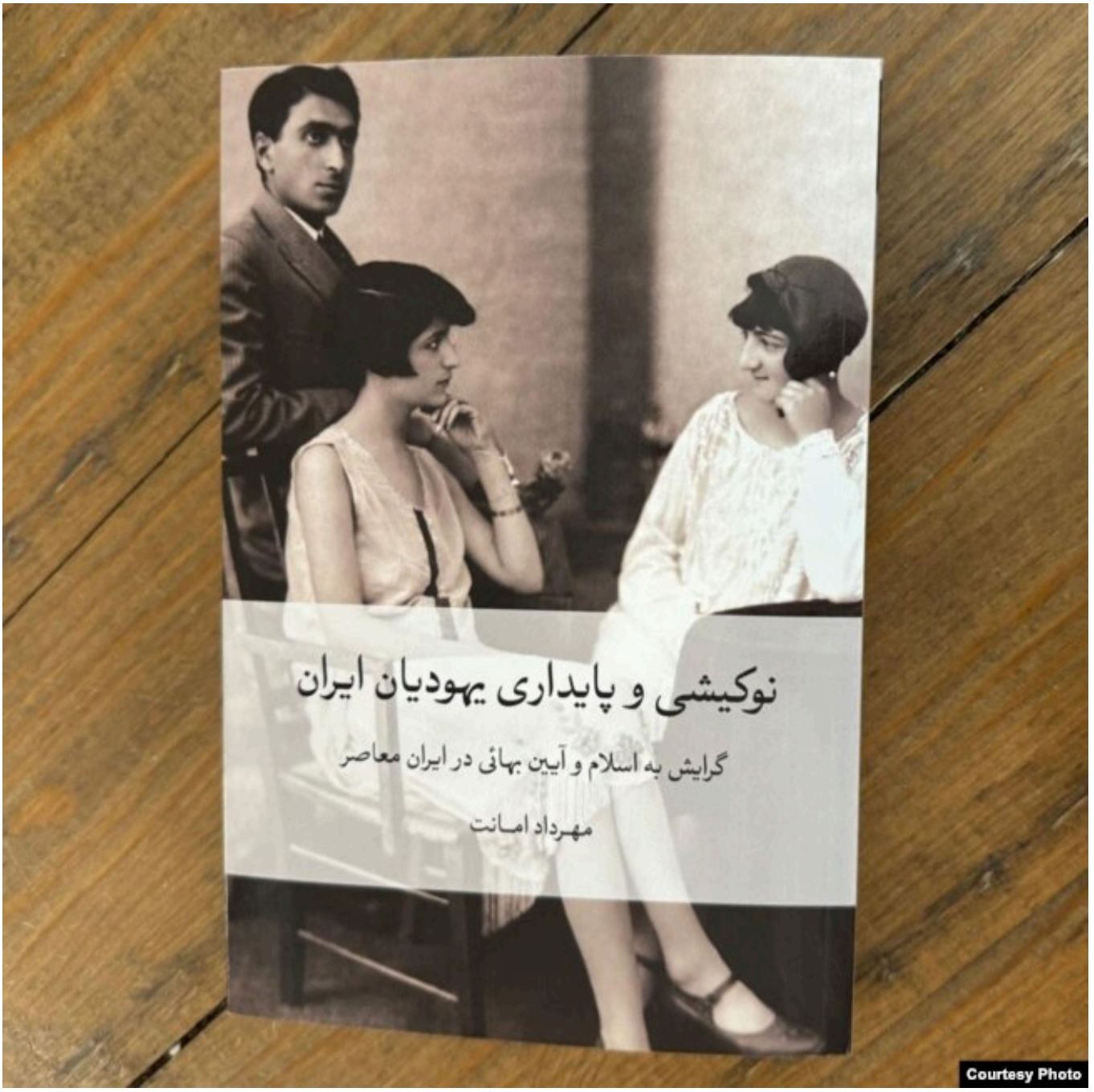

اهمیت رویکرد تطبیقی به مسئله تغییر دین چیست؟

مهرداد امانت در گفت‌وگو با رادیو فردا، در پاسخ به این که اگر به جای ۱۵ سال پیش، امروز کتاب را می‌نوشت، احتمالاً چه تفاوتی در نوشتهٔ او ایجاد می‌شد، بر اهمیت رویکردی تطبیقی به مسئله تغییر دین تاکید می‌کند.

«اگر بخواهم امروز دید تازه‌ای نسبت به مقوله پیچیده تغییر دین پیدا کنم و آن را از نو بررسی کنم، فکر می‌کنم بهتر است با رویکردی تطبیقی به آن نگاه کنم. تغییر دین در قرن نوزدهم و سال‌های آغازین قرن بیستم، که موضوع مطالعه من بوده است، پدیده‌ای مختص ایران نبود، بلکه پدیده‌ای فراگیر و جهانی به شمار می‌رفت.

البته در بسیاری از موارد، تغییر دین، به‌ویژه گسترش مسیحیت در آفریقا، آمریکا و همچنین آسیای شرقی، با سلطه غرب و فرهنگ استعماری ارتباط داشت و به آن گره خورده بود. این روند پیامدهای تاریکی نیز به همراه داشت؛ از جمله نسل‌کشی بومیان، فرار و آوارگی آنان و از بین رفتن فرهنگ‌های بومی. اما جدا از خشونت استعماری، در اروپا تغییر دین به وسیله‌ای برای همگونی اجتماعی تبدیل

شده بود و حاصل تحولات عمیقی بود که این قاره در قرن‌های هجدهم و نوزدهم تجربه کرده بود.

دوران روشنگری و سپس اوج آن در انقلاب فرانسه، زمینه‌ای برای برابری حقوق اجتماعی یهودیان فراهم کرد. این تحولات باعث شد یهودیان بتوانند به دانشگاه‌ها راه پیدا کنند و تحصیلات عالی داشته باشند. برای اینکه بتوانند در جامعه مشارکت کنند، گرویدن به مسیحیت در واقع به پله‌ای برای مشارکت اجتماعی و اقتصادی تبدیل شده بود. نمونه آن پدر کارل مارکس است که پس از پایان تحصیلاتش، برای اشتغال به وکالت لازم بود مسیحی شود.

این تغییر دین از پشتوانه فرهنگی دین‌ناباورانه‌ای برخوردار بود؛ فرهنگی که در حال رشد بود و پذیرش زیادی نسبت به تغییر دین افراد داشت. در بسیاری از موارد، یا شاید بتوان گفت در بیشتر موارد، همانند خانواده خود مارکس، تغییر دین پلی برای گذار از دین و رسیدن به تفکری دین‌ناباورانه بود.»

چرا با وجود تجدد در ایران تغییر دین همچنان دشوار بود؟

آقای امانت همچنین به این نکته اشاره می‌کند که تجدد در ایران نیز که در اواخر قرن نوزدهم و سپس در جریان انقلاب مشروطه، با تاثیرپذیری از ریشه‌های بومی و تجدد غربی شکل گرفت، وضعیت اقلیت‌های دینی کشور را تغییر داد.

«نتیجه این تحولات برای یهودیان ایران این بود که امکان تحصیل در مدارس جدید برای آنان فراهم شد؛ امکانی که سال‌ها و قرن‌ها از آن محروم بودند. یهودیان اجازه شرکت در مدارس سنتی و مکتب‌خانه‌ها را نداشتند، زیرا در آنجا قرآن تدریس می‌شد و چون آنان نجس شناخته می‌شدند، حق نداشتند به متون مقدس اسلامی دست بزنند.

نهضت مشروطه زمینه برابری حقوق بیشتری را فراهم کرد و رشد تجارت خارجی نیز به بهبود وضعیت اقتصادی یهودیان کمک کرد. این تحولات شرایط مساعدی برای ادغام و همگونی بیشتر ایجاد کرد؛ آن هم در جامعه‌ای که بیش از گذشته به آینده می‌اندیشید و هویت ملی را بیشتر مورد توجه قرار می‌داد و تجربه می‌کرد، به‌ویژه در سال‌های پس از انقلاب مشروطه.»

اما به‌گفتهٔ این مورخ، تفاوت اصلی ایران و اروپا در این بود که فرهنگ و اندیشه سکولار و دین‌ناباورانه، حتی در دوران مشروطه، هنوز در مراحل بسیار ابتدایی و نوپای خود قرار داشت؛ در حالی که در اروپا اقتدار کلیسا مدت‌ها بود که زیر سؤال رفته بود.

آقای امانت در این زمینه می‌گوید:

«به دلایل عمیق تاریخی و به‌واسطه سلطه مذهب شیعه بر حوزه‌هایی مانند آموزش و امور قضایی و همچنین استقلال مالی نهاد دین در ایران، دین‌ناباوری در کشور بسیار ضعیف بود و حتی می‌توان گفت غایب بود. البته امروزه شاید ایرانیان از مسیر دیگری به تجربه دین‌ناباوری رسیده‌اند. بسیاری از ایرانیان پس از تحمل پنجاه سال حکومت اسلامی، از راه دیگری به نوعی هویت بی‌دین دست پیدا کرده‌اند و آن را تجربه می‌کنند.»

آن طور که نویسندهٔ کتاب «نوکیشی و پایداری یهودیان ایران» توضیح می‌دهد، برخلاف اروپا، در ایران نظام شرعی قدرتمندی وجود داشت که با احکامی چون ارتداد فطری، تغییر دین را دشوار می‌کرد و فرد را ناگزیر به گسستن از خانواده و جامعه خود می‌ساخت؛ بی‌آنکه در جامعه جدید نیز از جایگاهی برابر برخوردار شود، زیرا همچنان به‌عنوان «جدیدالاسلام» با تبعیض و نابرابری روبه‌رو بود.

آقای امانت می‌گوید:

«برای مثال، در اروپا تغییر دین می‌توانست به‌سادگی مراجعه به اداره ثبت احوال در آلمان یا انگلستان و درخواست ثبت تغییر دین باشد. افراد پس از آن با هیچ نوع درگیری اجتماعی روبه‌رو نمی‌شدند و مجبور نبودند ننگ تغییر دین را تحمل کنند. این کار تقریباً امری پیش‌پاافتاده بود. در حالی که در ایران، با تغییر دین تمام هویت شخص زیر سؤال می‌رفت و همه روابط اجتماعی او در معرض دگرگونی قرار می‌گرفت. همین مسئله تغییر دین را بسیار دشوارتر می‌کرد.»

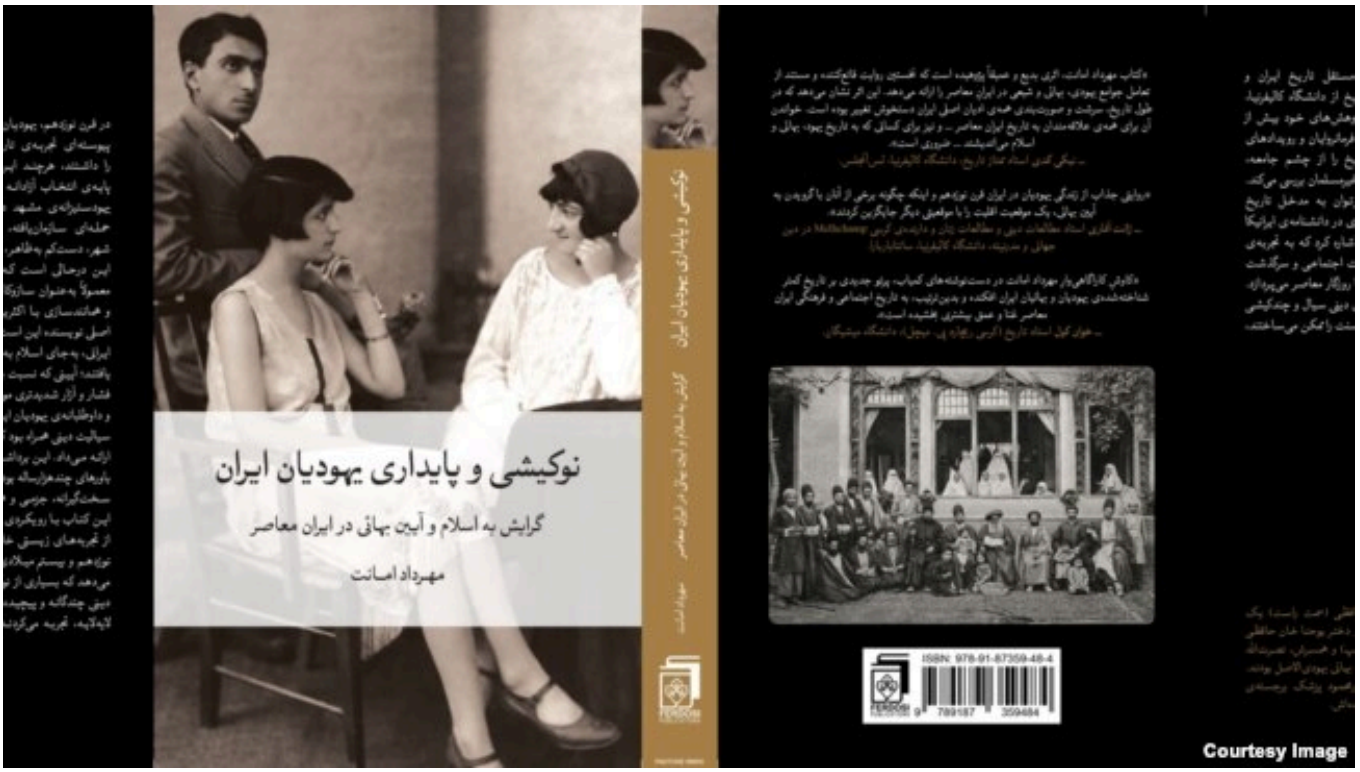

چرا یهودیان به جای اسلام به بهائیت روی آوردند؟

در تاریخ ایران، شماری از یهودیان ایرانی به جای اسلام به آیین نوپدید بهائی گرایش یافتند؛ آیینی که نسبت به یهودیت آنها را اغلب با فشار و آزار شدیدتری مواجه می‌کرد.

هسته اصلی کتاب، پیرامون همین مسئله شکل گرفته که چرا جمعیتی که خود در معرض انواع فشارها و تبعیض‌ها قرار داشت، حاضر بود به جامعه دیگری بپیوندد که حتی فشارها، تبعیض‌ها و محدودیت‌های بیشتری بر آن تحمیل می‌شد؟

آقای امانت در این زمینه می‌گوید:

«یهودیان خواهان دستیابی به جایگاه اجتماعی جدیدی بودند. آنان قصد داشتند سنت‌های قدیمی و محدودیت‌هایی را که در محله‌های یهودی با آن روبه‌رو بودند، ترک کنند. به‌ویژه مسئله حکم نجاست یهودیان و غیرمسلمانان، این مسیر را بسیار دشوار می‌کرد و مرزهای اجتماعی را بسیار مستحکم‌تر می‌ساخت. بنابراین، فردی که می‌خواست از جامعه یهودی به جامعه اسلامی بپیوندد، باید بهای گزافی برای این کار می‌پرداخت و در نتیجه نیز نمی‌توانست جایگاه اجتماعی برابر به دست آورد؛ زیرا باید ننگ یا انگ جدیدالاسلام بودن را با خود حمل می‌کرد. حتی امروزه نیز می‌بینیم که سیاستمداران جمهوری اسلامی یکدیگر را به داشتن سابقه جدیدالاسلام بودن متهم می‌کنند یا چنین نسبتی به یکدیگر می‌دهند و این سابقه را جنبه‌ای منفی تلقی می‌کنند.»

این مورخ درباره این که چرا تعدادی از یهودیانی که مسلمان شده بودند، بعدها به آیین بهائی روی آوردند، بر این مسئله تأکید می‌کند که گرویدن به اسلام نتوانست جایگاهی را که آنان انتظار داشتند، برایشان فراهم کند.

او در پاسخ به این‌که چه چیزی در گرویدن به آیین بهائی وجود داشت، چنین می‌گوید:

«یکی از عوامل مهم این بود که در جامعه بهائی، پذیرش اجتماعی بسیار بیشتری وجود داشت؛ شاید بتوان گفت پذیرشی بسیار گسترده. کنار گذاشتن تفکر نجس دانستن دیگران نیز برای این نوکیشانی که به آیین بهائی گرویده بودند، ارزش بسیار زیادی داشت.

از سوی دیگر، فشار برای تغییر دین زیاد بود و مسائل اقتصادی، به‌ویژه در زمینه ارث، نقش مهمی داشت. خانواده‌های متمول یهودی همواره با این خطر روبه‌رو بودند که اگر یکی از اعضای خانواده‌شان به اسلام می‌گروید، می‌توانست تمام اموال خانواده را تصاحب کند. به همین دلیل، در کتابم مواردی را ذکر کرده‌ام که در آنها تمام اعضای یک خانواده به اسلام گرویده‌اند تا خود را از چنین ادعایی مصون نگه دارند.»

مرزهای سیال دینی در ایران گذشته چگونه بود؟

مهرداد امانت با این حال به مسئله مرزهای سیال دینی در گذشته اشاره و تأکید می‌کند که با وجود تبعیض‌ها، گرویدن به اسلام معمولاً با نوعی هویت دینی و سیال امکان‌پذیر بود؛ به این معنا که ممکن بود فرد از نظر حقوقی خود را مسلمان بداند، از نظر آداب و رسوم دینی همچنان یهودی باشد و از نظر اجتماعی نیز خود را عضوی از جامعه بهائی بداند.

«در آن دوره، این سیالیت دین و هویت دینی تا حد زیادی پذیرفته شده بود و چنین چندگانگی‌ای رواج داشت. این وضعیت حتی مزایای مختلفی نیز داشت. اما در دوره پهلوی، با رسمی شدن تجدد، چنین رنگارنگی هویتی دیگر تحمل نمی‌شد. نظام ثبت احوال و شناسنامه افراد را ملزم می‌کرد که مرزهای هویتی مشخص و محدودی داشته باشند.

از سوی دیگر، در خود جامعه بهائی نیز این چندگانگی به‌تدریج و در طول سال‌ها کمتر و کمتر پذیرفته شد. افراد تا حد زیادی ملزم بودند از جوامع دینی گذشته خود فاصله بگیرند. برای مثال، رفتن به مسجد و کنیسه و حضور در چنین مکان‌هایی دیگر در جامعه بهائی پذیرفته نبود.

به این ترتیب، از دو طرف مرزها تقویت شدند و آن چندگانگی هویتی که در آن دوره به‌ویژه شاهد آن بودیم و تجربه می‌کردیم، دیگر به همان شکل رواج نداشت.»

نقش موعود گرایی در تغییر دین چه بود؟

آقای امانت به موضوع دیگری که در روند تغییر دین نقش داشت اشاره می‌کند: مسئله موعودگرایی.

این مورخ درباره پیشینه موعودگرایی در ایران می‌گوید: «موعودگرایی در ایران پس از اسلام عامل بسیار مهمی در شکل‌گیری تصور افراد از آینده خود بود. مردم همواره در جست‌وجوی ناجی‌ای بودند که بتواند رنج‌ها و مشکلاتشان را تسکین دهد، به آنان آرامش ببخشد و از گرفتاری‌هایشان نجاتشان دهد. زندگی دشوار بود و داشتن چنین آرمانی به انسان تسلی خاطر می‌داد.»

با این حال، امانت اکنون در این زمینه نگاهی تطبیقی دارد: «این گرایش به‌ویژه در قرن نوزدهم و به‌خصوص در دهه ۱۲۶۰ قمری، برابر با سال‌های ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ میلادی، نه‌تنها در ایران، بلکه در اروپا و بسیاری از نقاط دیگر جهان، از جمله آمریکا، رشد چشمگیری پیدا کرد. دلیل آن محاسباتی بود که درباره زمان رجعت موعود انجام می‌شد و به این سال‌ها بازمی‌گشت. در نقاط مختلف جهان می‌بینیم که افراد انتظار داشتند این رجعت در تاریخی مشخص اتفاق بیفتد و به همین دلیل علاقه بیشتری به مسئله بازگشت و ظهور موعود پیدا کرده بودند.»

به عقیده این مورخ، آیین بهائی نیز به دلیل برخورداری از عنصر نیرومند موعودگرایی، از این گرایش بهره می‌برد و این مسئله به رشد جامعهٔ بهائی و تغییر دین به این آیین کمک می‌کرد.

وضعیت اقلیت‌های دینی در دوران پس از انقلاب چگونه است؟

هر چند که تحولات از مشروطه و آزادی‌هایی که از نظر تحصیل و وضعیت اقتصادی برای یهودیان فراهم شد، باعث پیشرفت قابل ملاحظه این جامعه در ایران شد، اما به عقیده نویسنده کتاب «نوکیشی و پایداری یهودیان ایران» به‌ویژه پس از انقلاب ۱۳۵۷، فشارهای سنتی قدیمی تا حد زیادی بازگشتند.

او به این مسئله اشاره می‌کند که اکثریت قابل توجهی از جامعه یهودی ایران کشور را ترک کردند و تلاش کردند آینده جدیدی برای خود در غرب و از طریق مهاجرت بسازند و همین مسئله باعث شد جامعه ایران بیش از پیش یکدست شود و تنوع دینی‌ای را که همواره یکی از مشخصه‌های اصلی آن بوده، از دست بدهد.

مهرداد امانت می‌گوید:

> «البته حکمرانان جمهوری اسلامی همواره تلاش می‌کنند تصویری از خود به‌عنوان حاکمانی بردبار و مداراگر در قبال جوامع غیرمسلمان ارائه دهند؛ تصویری که با واقعیت مطابقت ندارد. نمونه بارز این مسئله، شدت گرفتن مهاجرت در جوامع غیرمسلمان است.
>
> امروزه جایگاه جامعهٔ یهودی در ایران را شاید بتوان جایگاهی خالی و تخلیه‌شده توصیف کرد؛ حضوری که بسیار کمرنگ شده و دیگر آن تأثیری را که در گذشته بر رنگارنگی جامعه ایران داشت، ندارد. بسیاری از جوامع غیرمسلمان نیز به همین سرنوشت دچار شده‌اند و ایران بیش از پیش به جامعه‌ای یکدست و شیعه تبدیل شده است که البته [در درون خود] عقاید و سلیقه‌های گوناگون خود را نیز دارد.»

ایران جامعه‌ای است که از مذاهب و اقوام مختلف تشکیل شده و این تنوع به آن زیبایی و جذابیت خاصی بخشیده است، اما به عقیدهٔ این مورخ، این تصویر «بیش از پیش کمرنگ شده است».

بیشتر در این باره:

زمانی که یهودیان ایرانی بهایی شدند

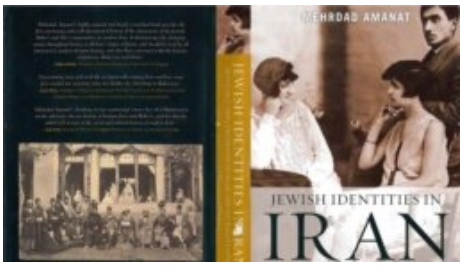

این مطلب بخشی از:

اجتماعی | بایگانی | فرهنگ و هنر ایران | فراتر از خبر

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وب‌سایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.